



باورهای عامیانه ترکمنان (بخش ششم)

باورهای مرتبط با جانوران

قسمت ششم (پایانی)



■ ترجمه و تألیف: آناؤردی کریمی

نویسنده، مترجم و پژوهشگر
فرهنگ و ادبیات ترکمن

■ مقدمه

در شماره‌های پیشین فصلنامه میرداماد (شماره‌های ۳۰، ۳۱، ۳۲-۳۳، ۳۵-۳۴ و ۳۶-۳۷) بخش‌های نخست تا پنجم باورهای قوم ترکمن در ارتباط با جانوران، با باورهای مرتبط به «آب‌دزدک» شروع شده و به باورهای مربوط به «مارمولک» ختم شد. در این شماره، بخش ششم و پایانی مقاله با باورهای قوم ترکمن در مورد «ماهی» شروع شده و به باورهای مرتبط با «یوزپلنگ» خاتمه می‌یابد. هم‌چنین در پایان مقاله مجموعه‌ای از باورهای مختلف در ارتباط با جانوران گوناگون ذکر شده است. اطلاعات مندرج در این مقاله با تلفیقی از شیوه‌های مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی و گفتگوهای شفاهی گردآوری شده است.

■ ماهی

به طور کل ماهی در باورهای قوم ترکمن نقش مثبت دارد. ابن فضلان که در اوایل سده‌ی چهارم هجری به سرزمین باشقیر (باشگرد) سفر کرده، ضمن اشاره به این که تا آن زمان ترکمنان دین اسلام را نپذیرفته‌اند، به گروهی از ترکمنان اشاره داشته که ماهی را می‌پرستیده‌اند.

- ستون فقرات ماهی از چشم زخم محافظت می‌کند.

- اگر زن حامله کله ماهی را بخورد، دهان بچه‌اش بزرگ می‌شود.

- اگر در داخل خمیر، ماهی کوچک بگذاری و به گاو بدهی، گاو چاق می‌شود.

■ مرغ

- اگر کسی مرغ سیاه هدیه دهد، نباید آن هدیه را قبول کرد، چون شگون ندارد.

- اگر مرغ به تقلید از خروس صدا کند، آن مرغ را باید سر بُرید و گرنه به خانه بدبختی می‌آورد و در باوری شبیه به این مورد، اگر مرغ به تقلید از خروس صدا کند، آن مرغ را باید گشت، چون سبب مرگ صاحبش می‌شود.

- به نظر نَحُولی‌ها اگر مرغ سرو صدا کند مهمان می‌آید. در میان ترکمن‌های افغانستان هم چنین باوری وجود دارد؛ اگر مرغ پیش روی دروازه یک پهلپو پا اندازد برای صاحب خانه مهمان می‌آید.

- در باوری دیگر، اگر روی سینه‌ی بیمار، مرغ زنده بگذارند، انرژی مرغ به آن فرد اثر کرده و حال بیمار بهبود می‌یابد.

- برای برطرف کردن تاول، باید گوشت مرغ را با سرکه قاطی کرد و بر روی محل تاول گذارد.

- کشتن مرغ سیاه برای بعضی از بیماری‌ها خوب است. عده‌ای معتقدند اگر مرغ سیاه را برای بیمار، سر ببرند و صدقه بدهند، بیمارشان خوب می‌شود.

- از تخم مرغ سیاه، برای برطرف کردن درد می‌گرن هم استفاده می‌کنند.

- اگر عروس و داماد به دلایلی نتوانند در شب زفاف باهم نزدیکی کنند، نزدیکان آنان، روی تخم مرغ سیاه دعا می‌نویسند و به خانه‌شان می‌برند.

- اگر مرغ‌ها در طول روز بدن‌شان را جمع کرده و بخوابند، نشانه‌ی این است که هوا سرد شده و باد سر خواهد وزید.

- اگر مرغ با صدای بلند قُدد کند، هوا خاک‌آلود و غبارآلود خواهد شد.

■ مورچه

- بسیاری از ترکمنان بر این باورند که نفرین کردن مورچه بدیمن است.

- اگر مورچه‌ها روی لانه‌ی خود، خاک تلمبار کرده و به قشلاق رفته باشند، زمستان سردی درپیش خواهد بود. در باوری شبیه به این، اگر جلوی دهانه‌ی لانه مورچه‌ها، خاک انباشته شده باشد و موقع رفتن مورچه‌ها به قشلاق باشد، نشان از این دارد که زمستانی سرد و سرمای‌ی شدید در راه است.

- طبق باورهای عامیانه ترکمنی، وقتی مورچه‌ها داخل خانه هستند، اگر به آن‌ها بگویید: «گناه کم فروشی یا گران فروشی مغازه‌داران را می‌کشد»، مورچه‌ها بعد از شنیدن این سخن، خانه را ترک خواهند کرد.

- در زمان قدیم ترکمن‌ها برای دفع مورچه از خانه، جلوی لانه‌ی مورچه‌ها، نمک می‌پاشیدند و می‌گفتند: «یا این نمک‌ها را بلند کن و پُتر، یا از خانه‌ی ما برو!».

- در گذشته، وقتی که در خانه‌ای مورچه‌های ریز فراوان می‌شدند، مردم می‌گفتند: «حالا باید از این خانه کوچ کنیم، چون مورچه‌ها آمده‌اند». حتی امروزه هم اگر تعداد مورچه‌ها در گوشه و کنار خانه زیاد بشود و مورچه‌ها در خانه بگردند، ترکمنان سالور آن را خوب نمی‌دانند.

- برخی ترکمنان براین باورند که وقتی کسی در حال مطالعه‌ی کتابی باشد و روی آن کتاب مورچه‌ای راه برود، اگر مورچه را کنار نزنند و بگذارد که راه خود را ادامه دهد، مطالب کتاب به سهولت و با سرعت بیشتری درک خواهد شد.

■ موش

اگر موش‌های صحرایی به تکاپو بیفتند و غلات و ته‌مانده‌ی ساقه‌گندم و جو را به لانه‌شان ببرند، زمستان سختی درپیش خواهد بود.

- اگر موش‌ها در پنبه‌زارها، الیاف پنبه را جویده و دور ببندازند، برف باریده شده، مدت طولانی روی زمین می‌ماند. ترکمن‌ها باور خود را درباری موش با عنوان «نقش سیچان‌ایزی» در نقوش قالی خود مطرح نموده‌اند. در زبان ترکمنی واژه‌ی «سیچان» به معنای موش است، که در فرهنگ اسلامی نماد انسان منافق و دورو محسوب می‌شود؛ چنان‌که واژه‌ی «نفاق» (نافقاء یا نفقا) در لغت به معنی تونل و راه زیرزمینی یا همان سوراخ مخفی موش است، که موش برای مخفی شدن از آن استفاده می‌کند. در فرهنگ ترکمن نیز، نماد دشمن زیون و خوارشده‌ی آن ملت است که در پی شکست از ترکمن‌ها راه فرار را درپیش گرفته است و نقش «سیچان‌ایزی» که به معنای «رذپای موش» است، درواقع نمادی از دشمنان شکست‌خورده می‌باشد که فرار کرده و تنها رذپایی از خود به‌جا گذاشته‌اند. سیچان‌ایزی از کهن‌ترین نمادهای فرش ترکمن است و چه‌بسا از آغاز اولین جنگ‌های تاریخی ترکمن‌ها با آنان بوده است!

■ هاپ (شاپرک)

هاپ نوعی پروانه با جثه‌ی تقریباً بزرگ و به رنگ قهوه‌ای کم‌رنگ است. در باور ترکمن‌ها اگر این حیوان هر وقت وارد خانه‌ای شد، باید آن را به هر شکلی بیرون کرد و یا خفه نموده و دور انداخت؛ چون یا سبب بدبختی و بیچارگی و یا سبب مرگ یک نفر خواهد شد و یا با خود بیماری می‌آورد.

■ هدهد

هدهد یا شانه‌به‌سر در بین ترکمنان نوعی پرنده‌ی مقدس محسوب می‌شود. به‌نظر می‌رسد تقدس هدهد نزد این قوم، ریشه در باورهای دینی آنان دارد؛ چراکه طبق تعالیم اسلامی هدهد یکی از شش حیوانی است که پیامبر(ص) گشتن و آزار آنان را منع کرده است. ادموند ادنوان خبرنگار روزنامه دیلی نیوز لندن، که در فاصله سال‌های ۱۸۷۹-۱۸۸۱ به ایران و برخی از مناطق ترکمنستان امروز و به‌ویژه به مرو سفر کرده، در سفرنامه‌ی خود نوشته: «تراکمه مطلقاً متعزّض هدهد نمی‌شوند. ملابابا که همراه ما بود، می‌گفت: هدهد از غلامان خاص سلیمان است و همه باید به این حیوان احترام بگذارند.

- هدهد هر جا را نوک بزند، می‌گویند در زیر زمین آب است، چون بر این باورند که این پرنده آب موجود در زیر زمین را می‌بیند.

■ یوزپلنگ

ناخن یوزپلنگ از چشم زخم محافظت می‌نماید.

- برای درمان فلج، بهترین دارو روغن یوزپلنگ است.

■ باورهای متفرقه در ارتباط با حیوانات

علاوه بر آن چه که آمد، کلیاتی نیز در مورد حیوانات در باورهای عامیانه ترکمنان وجود دارد. به عنوان مثال در بین اقوام ترکمن باورهای مختلفی در مورد تشخیص شرایط جوّی و وقوع بلایای طبیعی و نیز اموری چون باران خواهی، کتک زدن حیوانات، تأثیر حیوانات و اعضای آنان در رفع چشم زخم و بلایا و آفات مختلف، بدیمن بودن حیوانات براساس رنگ آنان و... وجود دارد، که در ادامه به مواردی از این باورها اشاره خواهد شد.

■ باران خواهی

مورچلی‌ها در زمان خشکسالی، حیواناتی چون گوسفند یا بُز را بالای بام می‌برند و در آن جا می‌بندند؛ تا باران ببارد و بعد از باریدن باران، آن حیوان را پایین می‌آورند و در راه خدا قربانی می‌کنند. آنان معتقدند شب همان روز که حیوان را در پشت بام بسته‌اند، باران خواهد بارید.

تشخیص شرایط جوّی و وقوع بلایای طبیعی

- اگر حیوانات جمع شوند و روزه بکشند و داد و فریاد کنند و ماهیان از آب بالا بپرند، نشانه‌ی وقوع زلزله است.

- اگر یکباره یا ناگهان مار، عقرب و حشرات مختلف به جایی هجوم بیاورند، نشانه‌ی وقوع زلزله است.

- اگر حیواناتی که در روز سیراب شده باشند و در شب هم بسیار آب بنوشند، فردا هوا گرم خواهد شد.

■ آزار رسانیدن و کشتن حیوانات

- باتوجه به این که حیوانات قادر به سخن گفتن نیستند، نباید آن‌ها را زد؛ کسی که مال (دام) یا حیوان بی‌تقصیری را کتک بزند، دیگر چشم‌اش به آن حیوان نمی‌افتد و صاحب دام نمی‌شود. علاوه بر این آن حیوان او را نفرین می‌کند. در باوری دیگر، حتی اگر حیوان مقصر هم باشد، نباید به صورتش ضربه زد.

- هر چند هم که حسود باشی، نباید نسبت به چیزهای خوب سوءقصد داشته باشی. چیزهای خوب را آزار دادن - حتی اگر پرنده و درخت و حیوان هم باشد - و بی‌دلیل از بین بردن آن چیزها، به مثابه آن است که سدی در برابر بخت و شانس خودت شده‌ای. در این صورت تو را از سعادت و اقبال بازمی‌دارد.

■ باورهای مربوط به حیوانات خانگی

- ضربه زدن بر گاو، گوسفند و شتر گناه است. انسان در درازمدت دست‌اش چلاق می‌شود.

- وقتی چهارپایان را می‌بندی، باید هر کدام را در جایگاه خود ببندی و نباید در این مورد تداخل رُخ دهد؛ شتر مست را نباید کنار گاو ماده و یا بُز بست. اگر بُز را در جای شتر مست ببندی؛ بُز و شتر هر دو گر می‌شوند. اگر اسب را در آغل گاو ببندند؛ اسب مستعد بیماری خواهد شد.

- اگر حیوان چهارپا، دوقلو یا سه‌قلو بزاید؛ حتماً یکی از آن‌ها را باید در راه خدا بخشید. اگر چنین نشود، برای صاحبش بدبختی می‌آورد.

- اگر حیوان چهارپای حامله، بریده بریده ادرار کند؛ مذکر به دنیا می‌آورد و اگر یکسره ادرار کند، مؤنث به دنیا می‌آورد.

- اگر دام یا هر حیوان دیگری که برای ذبح انتخاب شده، فکش سفت باشد، کسی که حیوان را ذبح می‌کند، خسیس خواهد شد.

- مال (دام) حلال از صاحبش جدا نخواهد شد.

زمانی که گوساله یا بزه‌ای تازه متولد شده باشد و هنوز مادرش آن را لیس نزده باشد، نباید از میان مادر و بزه یا گوساله، عبور کرد؛ چراکه اگر چنین شود، گاو گوساله‌اش را و گوسفند بزه‌اش را برای شیردادن قبول نمی‌کند. به عبارت دیگر با عبور از میان گاو یا گوسفند و گوساله یا بزه‌ای تازه متولد شده‌ای که هنوز مادرش آن را لیس نزده، میان گاو یا گوساله و نیز میان گوسفند با بزه جدایی می‌افتد.

- حیواناتی چون گاو، گوسفند و امثال آن‌ها و هم‌چنین سایر حیوانات خانگی با مرگ خود، بلایی را که بر صاحبش مقدر شده بوده را برطرف می‌کنند. به بیان دیگر، اگر اتفاقی برای یکی از چهارپایان و غیره بیفتد، می‌گویند به جای این‌که بلا برای صاحب‌اش رُخ دهد، برای مالت پیش آمده است. بنابراین، اگر حیوانی حرام بمیرد، باید گفت: «دفع بلا کند!» و نباید بیش از حد نسبت به آن افسوس خورد.

- در هر خانه‌ای که در آن گاو، مرغ، خروس، گوسفند، بُز و غیره نگهداری شود، خوب است. اگر چنان‌چه زمانی بلایی یا حادثه‌ای پیش آید، ابتدا آن بلا متوجه حیوانات شده و آن‌ها از بین می‌روند و بلا رفع می‌شود. به همین خاطر سالورها نگه داشتن این‌گونه حیوانات را خوب می‌دانند و بر این باورند که اگر این حیوانات را نگه نداری، آن بلا به خودت و یا اعضای خانواده می‌رسد. البته امروزه در زندگی شهرنشینی دیگر امکان نگه داشتن حیوانات نیست.

- اگر موقع بردن حیوانات برای نوشیدن آب، به آرامی سوت بزنی، به گونه‌ای که صدای سوت زدن ات شنیده شود، حیوانات خوب آب می‌نوشند.

- وقتی که حیوان را ذبح می‌کنند، نباید امعاء و احشای آن را در آب راکد بشویند.

- بیشتر ترکمن‌ها در عید قربان وقتی قربانی می‌کنند، خون آن حیوان را به پیشانی‌شان می‌مالند، تا هرسال خداوند دیدن عید قربان را نصیب‌شان کند.

باورهای مربوط به حیواناتی با رنگ خاص

- ترکمن‌ها اگر رنگ حیوان سیاه باشد، آن را چندان نمی‌پسندند. برای نمونه سگ سیاه و گربه سیاه را خوش‌یمن نمی‌دانند.

- نَخُورلی‌ها، حیوانات سیاه‌رنگ را نگهداری نمی‌کنند؛ چون نگه داشتن حیوانات سیاه‌رنگ، باعث بروز یک اتفاق بد خواهد شد. ماکلاً گوسفند سیاه، مرغ سیاه، خروس سیاه و خرگوش سیاه نداریم.

- اگر در خواب حیوان سیاه ببینی، به معنی داشتن دشمن است.

- اگر در خواب مار، سگ و یا گاو سیاه به تو حمله کند نشانه داشتن دشمن است.

■ باورهای دفع چشم‌زخم و ابطال سحر در ارتباط با حیوانات

در باورهای عامیانه، استفاده از اعضای بدن حیوانات در مواردی می‌تواند جلوی چشم‌زخم را بگیرد. نوع این حیوانات و نحوه‌ی استفاده از آن در فرهنگ‌های مختلف با هم تفاوت دارند. برای نمونه در استان کرمان «نصب

سَرِ آهو و سَرِ شکار کوهی بر سَرِ درِ منازل، چشم زخم را دفع می‌کند». دندان گراز نَر، برای دفع چشم زخم مفید است، از این رو آن را با خرمهره‌های فیروزه‌ای رنگ به گردن گاوان جنگی با هیبت و اسبان سواری زیبا می‌آویزند، تا چشم بد را از آن‌ها دور کنند.

- برای آن که به خانه چشم زخم نرسد، در بالکن خانه، سرو شاخ حیواناتی چون اسب، گاو و قوچ را آویزان می‌کنند و یا شاخ گوزن را در بالای درب ورودی منزل نصب می‌کنند.

- اگر پوست حیوانات دریایی را به گهواره‌ی بچه نصب کنی، به بچه چشم نمی‌خورد.

- استخوان ستون فقرات ماهی، ناخن یوزپلنگ و استخوان خرگوش از چشم زخم محافظت می‌کنند.

- زبان حیوانات حرام گوشت، از چشم زخم محافظت می‌کند.

- اگر پوست جدا شده‌ی مار به حیوانات دیگر خورانده شود، چشم بد به آن‌ها اصابت نمی‌کند. هم چنین نُخوری‌ها معتقدند که اگر پوست جدا شده‌ی مار را داخل پلاستیک یا پاکتی بگذاری و از یک جای خانه آویزان کنی و یا آن را دود کنی، مانع چشم زخم خواهد شد.

- یکی دیگر از اعتقادات ترکمن‌ها «چشم بد» است، که برای جلوگیری از این امر، معمولاً چشم حیوانات (گوسفند یا شتر) را از جلوی در آویزان می‌کنند و بر این اعتقادند که چشم بد قبل از آن که به انسان یا دارایی‌های او برخورد کند، به چشم آویزان شده برخورد کرد و نه بر اعضای خانواده.

- به خاطر آن که به عروس جوان چشم نخورد، پشم شتر را به موی او و بغل لباس او می‌بندند و یا سنجاق می‌کنند.

- آویختن دندان حیوان حرام گوشت بر روی هر چیزی، یا بر آویختن آن بر گردن هر انسان یا حیوانی، موجب جلوگیری از بروز چشم زخم خواهد شد.

- بلوک ویل سفرنامه نویس فرانسوی، که در دوران ناصرالدین شاه در نزد ترکمن‌های تگه اسیر بوده، ضمن اشاره به اهمیت دعا در نزد ترکمن‌ها، نوشته: «[ترکمن‌ها] حتی چنگال پرندگان را که به یک قطعه نقره وصل شده، به لباس آن‌ها [کودکان] می‌چسبانند، که هدف از آن دفع چشم شور است.

- اگر کسی دندان خوک را به همراه داشته باشد، نسخه‌ی دعای دیگران بر آن شخص اثر نخواهد کرد.

■ باورهای مربوط به پرندگان

ترکمن‌ها پرنده‌ها را نماد عروج می‌دانند.

- پرندگانی نظیر چلچله، لک‌لک و هدهد در باور ترکمن‌ها مورد احترام هستند و آزار و اذیت و آن‌ها را درست نمی‌دانند.

- در باور ترکمن‌ها اگر پرنده وارد خانه شود، نشانه بخت و اقبال محسوب می‌شود. به سخن دیگر، مردم ترکمن پرنده‌ای را که در خانه‌ی آن‌ها آشیانه می‌سازد، در حکم نشانه بخت و اقبال می‌دانند.

- اگر پرنده‌ی در حال پرواز، فضله‌ی خود را به روی کسی بریزد، برای آن فرد خوش یمن است.

[ترکمن‌ها] اگر جغد و یا شانه به سر بر روی بام خانه‌ای و یا نزدیک کسی بنشیند و صدا نماید و یا صدای کلاغی شنیده شود، ترکمن‌ها به آن سمت نگاه کرده و می‌گویند: «... خیر را صدا بزن جانور! اگر خیر را صدا زده باشی،

روغن برسد به دهانت، اگر خیر را صدا نزده باشی، پشت کوه بیفتی!»،
 برخی از رفتارهای پرندگان در ارتباط با پیش بینی هوا و... می باشد:
 - اگر پرندگان جمع بشوند و صدا در بیارند، بعد از آن باران می بارد.
 - اگر پرندگانی که در پاییز به قشلاق می روند از ارتفاع خیلی بالا پرواز کنند، زمستان به آرامی فرامی رسد و اگر این پرندگان نزدیک به زمین پرواز کنند، زمستان زودتر می رسد.
 - اگر پرندگان در پاییز در سطح بالای آسمان پرواز کنند، زمستان دیر فرامی رسد.
 - برخی نیز بر این باورند که اگر آشیانه ی پرندگانی که برای قشلاق مانده اند، از مو، پَر و علف های خُشک ساخته شده باشد، زمستان سرد می شود.
 - اگر پرندگان جمع بشوند و از درختی بر درختی بنشینند و چهچه بزنند، همان روز یا فردای آن روز باران می بارد.
 - اگر پرندۀ روی یک پایش بایستد و به خواب برود، فردای آن روز هوا خنک می شود و یا باران می بارد.
 - اگر پرندگان در پاییز نزدیک به زمین پرواز کنند، سرما زودتر می رسد.
 - اگر پرندۀ ای روی یک پا بایستد و به خواب برود، فردای آن روز هوا خنک می شود.
 - اگر پرندگان خانگی چهچه زنند، فردای آن روز باد خواهد وزید.
 - اگر پرندگانی که برای جستجوی غذا به صحرا رفته اند، زود به آشیانه شان برگردند، شب باد می وزد.
 - اگر پرندگان صبح زود در زیر برگ پنهان شوند، نشانه آن است که آن روز هوا گرم خواهد شد.
 چند باور دیگر در باره پرندگان:
 - اگر پرندۀ ای در جایی تخم گذاری کرده باشد و کسی تخم آن را بشکند، آن شخص دچار بیماری خواهد شد.
 - براساس باوری دیگر، در زمانی که برف می بارد، باید کمی دانه روی پشت بام خانه ریخت؛ تا پرندگان بخورند. با این کار، پرندگان نیز برای سلامتی صاحب خانه دعا می کنند.
 - می گویند گوشت پرندۀ حلال گوشت که به عنوان مسافر به خانه می آید، حرام است. باید به آن پرندۀ علف، چوب و دانه داد و آن را آزاد و روانه کرد.

■ حکایتی در مورد حضرت نوح و جانورانی چون کرم، پشه، پرستو و مار

- روایتی از داستان کشتی نوح در بین ترکمن ها رایج است مبنی بر این که: حضرت نوح (ع) از هر نوع حیوان یک جفت در کشتی اش گرد آورد، الا کرم، که از یاد رفته بود. به امر خداوند چند کرم از چوب کشتی پدید آمدند، اما قسمتی از چوب کشتی که کرم ها از آن خارج شده بودند، به صورت سوراخی باقی ماند و آب از آن به داخل کشتی نفوذ کرد. حضرت نوح از حیوانات خواست که یکی از آن ها به طور داوطلب مسئولیت جلوگیری از نفوذ آب به کشتی را بر عهده بگیرد. مار از آن میان گفت: «من بر روی سوراخ چنبره می زنم و آن را با دمم مسدود می کنم؛ به شرط این که خوراکی را که می خواهم برایم فراهم کنید.»
 بنابراین، پس از قبولانندن شرایط اش، مار به انجام وظیفه ی خود پرداخت و «پشه» را مأمور کرد که بگردد و لذیذترین گوشت موجود را شناسایی کند. پشه از گوشت تمامی حیوانات و نیز انسان چشید و به این نتیجه رسید که گوشت انسان خوشمزه ترین گوشت هاست.

پرستوی مهربان پشه را دید که به سوی مار می‌شتافت و از او مایه را جویا شد، پرستو که خود از انسان نشأت یافته بود، تصمیم گرفت که از رسیدن این خبر به مار جلوگیری نماید. بنابراین رو به پشه کرد و گفت: «مرحبا بر این ذائقه! زبان ات را در بیاور تا بوسه‌ای بر آن بزنم!». وقتی پشه زبانش را درآورد، پرستو با منقارش آن را از بیخ کند. پشه‌ی بیچاره و زوزگنان پیشِ مار رفت، اما مار از حرکات و اشارات او چیزی نفهمید. در این اثنا، پرستو سر رسید و رو به مار گفت: «پشه می‌خواهد بگوید که خاک خوشمزه‌تر از همه چیز است».

پشه اشاره‌ای به زبان خود و نیز پرستو کرد و به مار فهماند که پرستو او را لال کرده است. مار خشمگین از این کارِ پرستو، جَست و دُمِ پرستو را به دهان گرفت. پرستو در صدد فرار برآمد، اما قسمت میانی دُم‌اش در دهان مار ماند. از آن روز به بعد دم پرستو به صورت دو شاخه و قیچی وار درآمد. پشه نیز از آن به بعد و زوزگنان گوشت تن جانداران مختلف را چشید و مار خاک‌خواری کرد. کرم‌ها که از چوب نشأت گرفته بودند، همواره در میان چوب‌ها زندگی می‌کنند و از جمله آفات چوب شناخته شده‌اند.



■ منابع و مآخذ فارسی

- آق، حاج قوجق قلی (۱۳۹۶). خرافات است یا به دل گرفتن و یا عقاید سنتی ترکمن؟!!!، دوهفته‌نامه سایران، سال دوم، شماره ۲۸، دوشنبه ۲۵ دی.
- آق‌آتابای، شهروز و آق‌آتابای، فرهنگد (۱۳۸۱). گرگ در فرهنگ و باور ترکمن‌ها. فصلنامه یاپراق، سال پنجم، شماره ۱۶ و ۱۷، بهار، صص ۷-۴.
- آق‌پور، مجید (۱۳۹۶). دورت بوغون (چهاربند)، جستارهایی در فرهنگ شفاهی قوم ترکمن با تکیه بر مطالعه‌ی میدانی در کومش‌تپه. گرگان: مختومقلی فراغی، چاپ اول.
- ابن‌فضلان. سفرنامه ابن‌فضلان. ترجمه: سیدابوالفضل طباطبائی. تهران: انتشارات شرق، چ ۲، ۲۵۳۵ (۱۳۵۵).
- ادنوان، ادموند (۱۳۹۶). واحه مرو، ماجراهای مسافرت به مناطق روسی حاشیه شرقی دریای خزر در سال‌های ۱۸۷۹-۱۸۸۱ میلادی، پنج ماه اقامت در میان ترکمن‌های تکه مرو. ترجمه: حسین سعادت‌نوری. پژوهش و تصحیح: سیدمهدی سیدقطبی و حسن‌علی فریدونی. قم: نشر مجمع ذخایر اسلامی، چاپ اول.
- بشرا، محمد و طاهری، طاهر (۱۳۸۶). باورهای عامیانه‌ی مردم گیلان. رشت: فرهنگ ایلیا، چاپ نخست.
- جهانشاهی افشار، علی و مداحی مشیزی، جواد (۱۳۹۶). تعویذ در فرهنگ عامه (مطالعه موردی: فرهنگ عامه مردم کرمان). دوماهنما فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۵، شماره ۱۳، فروردین و اردیبهشت.
- چاریوا، اوغل جمال (۱۳۹۵). حاقیدا مرجن‌لری، چاپا تایارلان: حاج قاقابای ارزانی، گل‌صحرا، سال دوم شماره ۲۳، یکم مرداد.
- خاتمی‌نیا، احمد (۱۳۸۴). تأملی در نقوش و فرش ترکمن. فصلنامه یاپراق، سال هشتم، شماره ۲۷-۲۹، صص ۶۳-۶۰.
- خوارزمی، حمیدرضا (۱۳۹۲). باور بلاگردانی در شاهنامه. دوفصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، دوره ۱۸، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۲۴-۱.
- ذوالفقاری، حسن و شیر، علی‌اکبر (۱۳۹۵). باورهای عامیانه مردم ایران. تهران: چشمه، چاپ دوم.
- راسخ‌یلدرم، محمدصالح (بی‌تا). تاریخ و فرهنگ ترکمنها. بی‌جا، بی‌نا.
- قربان‌زاده، فرهاد (۱۳۷۷). پایان‌نامه فرهنگ عامه مردم ترکمن. دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند. کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی. استاد راهنما دکتر محمد مهدی ناصح.
- قوجق، یوسف (۱۳۹۲). پایان‌نامه «مردم‌شناسی نمادهای مناسک گذار (تولد، ازدواج و مرگ) انسان در قوم ترکمن». دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک، دانشکده علوم انسانی، گروه مردم‌شناسی.
- کبیری، فرانک و امیرحاجیلو، پریسا (۱۳۹۳). بررسی نقش‌مایه‌های جانوری در فال‌ی ترکمن. دوفصلنامه هنرهای کاربردی. شماره چهار، بهار و تابستان، صص ۵۰-۳۹.
- کلت، ابراهیم (۱۳۷۵). مقدمه‌ای بر: شناخت ایلات و عشایر ترکمن. گنبد قابوس: انتشارات حاجی‌طلایی، چاپ اول.
- کولی‌بوف دوبلوکویل، هانری (۱۳۹۴). جنگ و اسارت در مرو. ترجمه اسلام هورن. تهران: صحرادانش، چاپ اول.
- گل‌محمدی، نظرمحمد (۱۳۸۵). باورهای ژرف، باور ملل و اقوام کناره‌های شرقی و بحری خزر. گرگان. مختومقلی فراغی، چاپ اول.
- معطوفی، اسداله (۱۳۸۳). تاریخ، فرهنگ و هنر ترکمنان، ج سوم. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.

■ منابع و مآخذ غیرفارسی

- Goçmyrdow, B (۱۹۹۵). Tŭrkmen halk yrymlary, aŭgabat, Magaryf.
- Öräýew, arazbay (۱۹۹۳). Yrymlar, aŭgabat, ruh.
- SAGLIK ŖAHIN, G. Selcan (۲۰۱۹). TŬRKMEN HALK KŬLTŬRÜNDE VE EDEBIYATINDA BALIK. Uluslararası Türkçe Edebiyat KŬltŬr Egitim Dergisi Sayı: ۱/۸ s. ۱۹۶-۱۸۳
- Tatlılıoglu, durmus (۲۰۰۰). tŭrkmen “ırmırları” (halk inançları), cumhuriyet universitesi ilahiyat fakŬltesi dergisi hakemlı dergi iv: sayı, sıvas, ۱۶۶ – ۱۵۱
- Tŭrkmen halk yrym – ynançlary, aŭgabat, mıras. – Ylyasowa, . (۲۰۰۵) Ylyasowa, gurbanjemał -
- .Tŭrkmen halk yrym – ynançlary, aŭgabat, mıras. (۲۰۰۵) gurbanjemał

■ اشخاص

- آق، محمد رثوف (۱۴۰۱). دانش آموز سال دهم انسانی دبیرستان نمونه بقیه‌اله الاعظم گنبد قابوس.
- ارمشی، ایوب محمد (۱۴۰۰). ۵۲ ساله، دیپلم، ساکن گنبد قابوس.
- بدخشان، قربان صحت (۱۴۰۰ و ۱۴۰۱). معلم بازنشسته و پژوهشگر فرهنگ عامه ترکمن، ۷۲ ساله، ساکن گنبد قابوس.
- برزین، ابوالفضل (۱۴۰۱). دانش آموز دهم انسانی دبیرستان تیزهوشان شهید بهشتی گنبد قابوس.
- بهادری، سلطان (۱۴۰۰). پنجم ابتدایی، ۴۸ ساله، طایفه نُخوری، ساکن بجنورد.
- بهمن، مینا (۱۴۰۲). اول راهنمایی، ۵۶ ساله، طایفه نُخوری، ساکن بجنورد.
- پناهی، جمال الدین (۱۴۰۱). معلم و لیسانس راهنمایی و مشاوره، ۲۹ ساله، طایفه نُخوری، ساکن روستای گُز از بخش راز و جرگلان خراسان شمالی.
- خوجه، ولی محمد (۱۴۰۰). فعال فرهنگی، ۷۴ ساله، ساکن گنبد قابوس.
- دیدار، محمد قاسم (۱۴۰۱). دانش آموز دهم انسانی دبیرستان بقیه‌اله الاعظم گنبد قابوس.
- زار عمادی، احسان (۱۴۰۱). دانش آموز دهم انسانی شهید بهشتی گنبد قابوس.
- ساعدی، صنم (۱۴۰۱). ۳۸ ساله، از طایفه نُخوری، ساکن گنبد قابوس.
- ساعدی، عبدالله (۱۴۰۱). دانش آموز دوازدهم انسانی دبیرستان بقیه‌اله الاعظم گنبد قابوس. از طایفه نُخوری، ساکن گنبد قابوس.
- سالاری، سبحان (۱۴۰۱). دیپلم و معلم بازنشسته و فعال فرهنگی، ۶۳ ساله، از ترکمن‌های سالور، ساکن تربت جام.
- طاطاری، محمد صفا (۱۴۰۰). دانش آموز دهم انسانی شهید بهشتی گنبد قابوس.
- علی‌پور، بنیامین (۱۴۰۰ و ۱۴۰۱). دانش آموز دهم انسانی دبیرستان نمونه بقیه‌اله الاعظم گنبد قابوس.
- فلاح، صیدنور (۱۴۰۱). دیپلم، ۴۱ ساله، طایفه مورچه‌لی، ساکن روستای پُرسه‌سوی سفلی از بخش راز و جرگلان استان خراسان شمالی.
- قاری، ابوبکر (۱۴۰۱). دیپلم، ۴۳ ساله. کشاورز، ساکن گلیداغ.
- قُجُق، امیر حسین (۱۴۰۱). دانش آموز دهم انسانی بقیه‌اله الاعظم گنبد قابوس.
- قرلجه، یاسین (۱۴۰۱). دانش آموز دوازدهم انسانی دبیرستان نمونه بقیه‌اله الاعظم گنبد قابوس.

- قوجق نژاد، محمدصفا (۱۴۰۱). دانش آموز یازدهم انسانی دبیرستان نمونه بقیه اله اعظم گنبد قابوس.
- کریمی، محمد دُرْدی (۱۴۰۰). خیاط، ۵۹ ساله از ترکمنان طایفه نُخُورلی، ساکن شهرستان بجنورد.
- مختوم، عمر (۱۴۰۱). دانش آموز دهم انسانی دبیرستان نمونه بقیه اله اعظم گنبد قابوس
- مختوم نژاد، عبدالرئوف (۱۴۰۱). دانش آموز دوازدهم انسانی دبیرستان بقیه اله اعظم گنبد قابوس.
- مختومی، نعمان (۱۳۹۸). دانش آموز سال یازدهم ریاضی، از روستای سارلی مختوم از توابع گنبد قابوس.
- مخدوم، هدایت اله (۱۴۰۱). لیسانس ادبیات ترکمنی، ۲۳ ساله، طایفه اِرساری، ساکن افغانستان.
- مرادی، بای محمد (۱۴۰۰). لیسانس پرستاری، ۵۶ ساله، از ترکمنان طایفه نُخُورلی، ساکن شهرستان بجنورد.
- ملتی، شهین (۱۳۹۹ و ۱۴۰۰). معلم بازنشسته، لیسانس علوم تجربی، ساکن گنبد قابوس.
- ملتی، مهین (۱۴۰۱). دیپلم، ۵۰ ساله، ساکن گنبد قابوس.
- نوروزی، حمیدرضا (۱۴۰۱). مهندسی عمران آب و فاضلاب، ۵۳ ساله، از طایفه نُخُورلی ساکن بجنورد.
- نوروزی، محمد (۱۴۰۰). فرهنگی و لیسانس جغرافیا، ۵۳ ساله، طایفه نُخُورلی، ساکن بجنورد.

